

# قانون هنگامی مجری است که تقید به آن در میان باشد

احمد کسروی در مقام وکیل مدافع سرپاس رکن الدین مختار، بعد از بیان مقدماتی در دفاع از رضا شاه پهلوی و نقادی از سید حسن مدرس گفت:

اکنون بر سر دفاع می روم. درباره اتهام آقای مختار با بازداشت های غیر قانونی که قسمت مهم از اتهامات است، ما بیش از همه خود را در برابر یک مسئله علمی قضایی می یابیم و آن این است که تخلف از یک قانون هنگامی جرم است که تقید به آن قانون در میان باشد و گرنه در اجرای مجازات دچار اشکال خواهیم بود. این مسئله در قوانین مطرح نشده ولی اصولاً مسلم است و من اینک آن را با مثل روشن می گردانم. فرض کنیم در قوانین ایران قماربازی جرم اعلام شده و برای کسی که قمارخانه دایر کند یا جوانان را به قماربازی وادارد، مجازات سنگینی تعیین یافته. ولی در همان حال قمار در بیرون مجاز می باشد و کسی از آن منع نمی نماید.

بلکه یک محله ای از تهران به نام «کوی نو» برای قمارخانه ها تخصیص یافته، و پاسبانها برای تأمین نظم و آرامش در آنجا گمارده شده، و هر کس می تواند آزادانه چند ساعتی در آنجا بگذراند و فردا قصه خود را به یاران و دوستانش بازگوید. خلاصه آنکه عملاً قمار مجاز گردیده و آن قوانین مربوطه به قمار جز نمایشی در قانون شمرده نمی شود. لیکن با این حال روزی یکی از قماربازان یا قمارخانه داران را بگیرند و پرونده برایش تنظیم کرده، به پیشگاه دادگاه آورند. ببینیم آیا قاضی می تواند چشم روی هم گذارد و او را محکوم به مجازاتی که در قانون پیش بینی شده است گرداند؟!

چنان که گفتیم این یک مبحث قضایی است و برای نخستین بار در ایران مورد ابتلاء گردیده و شما باید آن را حل کنید و من چنین می بینم که همین مسئله به این دادگاه و به این رسیدگی عنوان تاریخ خواهد داد. زیرا در آینده همیشه درگفتگو از مباحث قضایی این موضوع را یاد کرده و این دادگاه را نام خواهند برد. حقیقت آن است که در چنین موردی یک قاضی نمی تواند به عنوان اجرای آن قانون به کسی مجازات دهد، زیرا یک قانونی هنگامی مجری است که تقید به آن در میان باشد و عملاً ممانعت از تخلف نمایند. یک قانونی که به کنار گذارده شده و هیچ ممانعتی از اقدام به ضد آن نمی شود قوه قانونی خود را از دست داده از سوی دیگر یکی از موجبات مجازات «تجری» است.

وقتی که ما به یک کسی مجازات می دهیم، یک نکته را هم در نظر می گیریم که چرا از میان صد هزار تن تنها این یک نفر خیره روئی کرده و به یک کاری که ممنوع است و در نظرها زشت شمرده می شود، اقدام نموده؟ در مورد فرض ما این موجب در میان نیست از گناهکاران «تجری» رخ نداده است. این است که اجرای آن مجازاتی که در قانون تعیین گردیده با حق

وعدالت سازگار نخواهد بود. از این گذشته وقتی که یک جرمی شیوع یافته و صدها کسان به آن مرتکب می باشند و ماتنها یک یا دو تن را به دادگاه کشیده، مجازات می دهیم، این تبعیض گذشته از آنکه سخریه آور است، به آن محکومین تشدید مجازات نیز محسوب است. اینها نکات مهمی است که باید در اجرای عدالت منظور گردد. در چنین موردی قاضی باید به احترام مقام قضاوت از رسیدگی خودداری کند و به اعتراض برخاسته، بگوید: اگر این قانون مجری است، چرا عملاً ممانعت نکرده اید؟! چرا وسایل ارتکاب آن را فراهم ساخته اید؟! اکنون هم چرا همگی را دنبال نمی کنید؟! چرا تنها یکی دو تن را برگزیده، به پیشگاه دادگاه آورده اید؟! چرا دستگاه قضاوت را بازبچه اغراض خود ساخته اید؟! ما نیک می دانیم چون رضا شاه به روی کار آمد اصول دیکتاتوری را پیش گرفت و بسیاری از قانونها را از میان برد. نخست قانون انتخابات را از میان برد که نمایندگان را خود دولت بر می گزید.

سپس قوانین دایر بر بازداشت و زندان را از میان برد که شاه هر که را که می خواست دستور بازداشت و زندان می داد. همچنین قانونهای بسیاری دیگری را بی اثر گردانید و ما می دانیم که انبوه مردم در برابر او به خاموشی گرائیدند و اعتراض نمودند بلکه با او همراهی نشان دادند و از همدستی دریغ نگفتند و وزیران این رفتار را نمودند، ادارات به این کار شرکت کردند، روزنامه ها به آن خشونتی نشان دادند. اینها چیزهایی است که ما فراموش نکرده ایم و به این زودی نخواهیم کرد.

آری امروز کسانی می خواهند خود را از شرکت در کارهای آن روزی برکنار و نامایند، ولی همه می دانند که دروغ است. این قانونها که امروز در جلو ماست اینها را که گذرانده؟ اینها را نمایندگان گذارده اند که با دستور شاه سابق انتخاب می گردیدند و هر قانونی که می آمد بی چون و چرا تصویب می کردند. ادارات نیز بی چون و چرا آن قانونها را اجرا می کردند.

روزنامه ها نیز ستایشها می نوشتند و هر روز ستونهای خود را پر از ستایش می ساختند. این که می گویند ناگزیر بودیم، همگی دروغ می گویند. ما نیک می دانیم که از روی میل و دلخواه با آن اوضاع همراه بودیم. اگر اینها همراه نبودند تنها یک تن رضا شاه چه کار توانستی کرد؟! شگفت تر آن است که کسانی که امروز شکایت می کنند و در این پرونده نام دارند، از کمک های مهم شاه گذشته بوده اند و در پیشرفت کار او دخالت بسیار نموده اند؛ مثلاً شاهزاده فیروز که این پرونده به نام خواستن انتقام او تدوین یافته یکی از کسانی بود که در آغاز کار با رضا شاه همدست بود.

من از خانواده اسدی جز دوستی به (رضا شاه) ندیده ام و علاقه و دلبستگی بی اندازه به او می نمود. من شنیده ام چون در مشهد حکم اعدام را به او خوانده اند، متأثر گردیده و چنین گردیده و چنین گفته: «من در این قضیه جرمی که مستوجب اعدام باشم، ندارم. این مجازات نتیجه آن ظلم هایی است که به نام شاه پرستی به مردم نموده ام.» اگر این سخن را گفته باشد، راست گفته است.

هر چه هست ما اکنون در برابر این اشکالیم که آیا می توان این متهمان را به دستاویز قانون هایی که بیست سال ملغی بوده است، مجازات نمود؟ البته در اساس اتهامات، وکلای دیگر دفاع خواهند کرد و این چهل فقره اتهام به نام بازداشت غیر قانونی مسلم و ثابت نیست و ما از روی فرینه چهار پرونده قتل می توانیم دانست که در آنها نیز مقصد اثبات جرم بوده و به هر یکی از ایردهای بسیار می توان گرفت. این دفاعیات را وکلای دیگر آقای مختار خواهند کرد. من یک موضوع کلی را دنبال می کنم. این بسیار بی معنی است که بیست سال در این کشور دیکتاتوری مجری باشد و از وزیران گرفته تا روزنامه نویسان همگی آنرا بپذیرند و گردن گرازند و همراهی نمایند و اکنون به یک بار برگشته به بقه چند تنی جسیده، به محاکمه بکشند. این چیزی است که همه بیگانگان به ما ایراد توانند گرفت. بخصوص که در این تعقیب نیز پاره اغراضی محسوس باشد و ما ببینیم که در پرونده آنچه به سود متهمان است، به کنار گذارده اند و تنها در پی اثبات جرم بوده با تکلف دلیلهایی سوق کرده اند. من سخنم را در اینجا به پایان می رسانم. خلاصه دفاع من آن است که اتهام کشتن چهارنفر ثابت نیست و پرونده ها خلاف آن را می رساند و درباره هر دو از موکلینم درخواست براءت می نمایم. درباره پرونده های دیگر آقای مختار من چنین می دانم که نمی توان آنها را تعقیب کرد و این تعقیب برخلاف حق و عدل است.

قانون هایی که بیست سال ملغی بوده به عنوان تخلف از آنها، مجازاتی نتوان داد. اگر دادگاه این نظر مرا نپذیرد، البته وارد رسیدگی خواهد شد و من در آن صورت یک پیشنهادی دارم و آن این که برای جلوگیری از سخریه و طعن بیگانه و خودی همه کسانی که دیروز در زمان رضا شاه مصدر کارهایی بوده و در نقص قوانین شرکت کرده اند، نیز تعقیب گردند و اگر بنای این باشد باید هر یکی از ما فهرستی از این کسان تهیه کند و به نام اعلام جرم به دادسرا فرستد که پرونده برایشان تنظیم گردد و من خود یک چنین فهرستی را تنظیم توانم کرد. «»

بی نوشت

\* برگرفته از کتاب تاریخ حقوق ایران

۱- موسوی زاده، همان جا، صص ۵۴۱-۵۴۶